

تدوین شاخص‌ها و معیارهای آب در منظر شهر در راستای ارتقای کیفیت محیط‌های شهری

دریافت مقاله: ۹۹/۱/۱۶ پذیرش نهایی: ۹۹/۵/۲۲

صفحات: ۳۱۹-۳۴۰

زینب خالقی: دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری و شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: Khaleghiniki@gmail.com

فرح حبیب: استاد، گروه معماری و شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران^۱

Email: f.habib@srbiau.ac.ir

حسین ذبیحی: دانشیار، گروه معماری و شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: h.zabihi@srbiau.ac.ir

چکیده

آب به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین عناصر طبیعی منظر و به‌تبع آن منظر شهری از دیروز تا امروز تأثیر بسزایی در شکل‌گیری و اثربخشی فضاهای شهری داشته و همواره جلوه‌های مختلف آن باعث تهییج و تحریک گرایش انسان به زیبایی شده است. لازم به ذکر است که ارزش‌های وجودی آب تنها از نوع زیباشناختی نبوده بلکه به عمیق‌ترین و درونی‌ترین بخش طبیعت باز می‌گردد. چنین محرکی انسان را به‌سوی شناخت وجوه مختلف آب اعم از حسی و ادراکی، دیداری (بصری)، معنایی، عملکردی، کالبدی‌زیبایی‌شناسانه، زیست‌محیطی، روان‌شناسانه، اجتماعی و زمانی سوق داده است و همین شناخت، زمینه‌ی طراحی‌های متنوع با آب در منظر شهر را فراهم ساخته است. شناخت تمامی ویژگی‌ها و ارزش‌های وجودی آب و به‌کارگیری صحیح آن‌ها در منظر شهر هدف اصلی پژوهش حاضر است. به عبارتی تدوین الگویی مشخص شامل معیارها و شاخص‌های عمده‌ی آب در منظر شهر جهت ارتقای سطح کیفی منظر در محیط‌های شهری مدنظر بوده است. روش پژوهش برحسب نوع هدف، کاربردی و شیوه‌ی مطالعه برحسب روش و ماهیت، توصیفی - تحلیلی است و گردآوری اطلاعات نیز بر مبنای مطالعه منابع کتابخانه‌ای و تحلیل محتوایی متن بوده است. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که با به‌کارگیری صحیح از تمامی ابعاد و ارزش‌های وجودی عنصر آب در منظر شهر می‌توان کیفیت فضاهای شهری را ارتقا داد. بهره‌گیری از معیارها و شاخص‌های آب در منظر شهر به شکلی منسجم و یکپارچه، نیازمند الگویی مدون است که در انتها در قالب جدولی ارائه گردیده است.

کلید واژگان: آب، منظر شهر، کیفیت، محیط‌های شهری.

۱. نویسنده مسئول: گروه معماری و شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران

مقدمه

عناصر طبیعی همچون آب، از گذشته‌های بسیار دور، به‌عنوان عواملی زندگی‌آفرین، در نزد اقوام و گروه‌های فرهنگی ساکن در نقاط مختلف دنیا تقدیس می‌شدند. به‌ویژه، در سرزمین ایران - به دلیل وجود شرایط اقلیمی خاص - آب، به‌عنوان عنصر هستی‌بخش، بسیار مورد توجه بوده و به دلیل نیاز روزمره به آن و ترس از نبودنش، به‌عنوان یکی از ایزدان، در ذهن ایرانیان، جایگاه ویژه‌ای داشته است. امروزه نیز با گسترش بی‌رویه شهرها و آلودگی‌های ناشی از آن، حضور این عنصر طبیعی در عرصه‌ی فضاها و شهرها بیش از گذشته احساس می‌شود. حضور آب در اشکال متنوع خود اعم از رودخانه، رود، آبشار، نهر و .. در منظر شهر، می‌تواند تأثیری شگرف در انسان بر جای گذارد. قابل توجه است که ارزش‌های وجودی آب تنها از نوع زیبایی‌شناختی نبوده بلکه به عمیق‌ترین و درونی‌ترین بخش طبیعت ما باز می‌گردد. چنین محرکی انسان را به‌سوی شناخت ویژگی‌های بصری، زیبایی‌شناختی، عملکردی، زیست‌محیطی، روحی، و .. آب سوق داده و همین شناخت دست‌مایه‌ی طراحی‌های متنوع انسان در قالب حوض‌ها، آب‌نماها، فواره‌ها شده است. اما نگاه صرفاً تک‌بعدی (بصری) به این عنصر طبیعی در محیط‌های شهری کنونی، سبب شده تا از ویژگی‌ها و ارزش‌های وجودی آن به‌درستی در راستای ارتقای کیفی منظر شهرها بهره گرفته نشود. آنچه در این پژوهش به‌عنوان دغدغه و مسئله‌ی اصلی مطرح است نحوه‌ی به‌کارگیری از ارزش‌ها و ویژگی‌های عمده‌ی آب در منظر شهر به‌منظور افزایش کیفیت محیط‌های شهری می‌باشد. در حقیقت پژوهش حاضر بر آن است تا به این سؤالات پاسخ گوید که چگونه می‌توان از کلیه ابعاد و وجوه مختلف عنصر آب در طراحی منظر شهر بهره گرفت؟ و این‌که چه معیارها و شاخص‌هایی را می‌توان به‌عنوان اصولی کلی به‌منظور استفاده از ویژگی‌های آب در منظر شهر تدوین نمود؟

چارچوب نظری پژوهش

آب

نخستین حروف الفبای فارسی با (الف و ب) آغاز می‌شود، به همین دلیل آب را الفبای زندگی می‌نامند. اهمیت وجود این عنصر طبیعی در حیات این کره‌ی خاکی تا اندازه‌ای است که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و جعلنا من الماء کل شیء حی (همه‌چیز را با آب زنده گرداندیم)^۲» (انبیاء، آیه ۳۰). در لغت‌نامه‌های متعدد فارسی نیز به توصیف این عنصر حیاتی به‌عنوان یکی از نخستین واژه‌ها پرداخته شده است:

^۲ لفظ آب که معادل عربی آن «ماء» می‌باشد، ۶۳ بار در آیات مختلف قرآن کریم اعم از (آیه ۵۳ سوره طه، آیه ۶۳ سوره عنکبوت، آیه ۴۸ سوره فرقان، آیه ۱۱ سوره انفال و ..) آمده است. برخی از آیات اشاره دارند که عرش خداوند بر روی آب بوده و حیات همه جانداران به آب وابسته است و در برخی دیگر، از نقش‌های گوناگون آب در زمین؛ از احیای زمین، سرسبزی طبیعت، رویش گیاهان رنگارنگ، پیدایش مراتع، مزارع و باغ‌ها با درختان مختلف و انواع گوناگون میوه‌ها، سخن رفته است. هم‌چنین به نزول آب بر کوه‌های بلند و تأمین آب گوارای آشامیدنی، ایجاد نهرها و رودهای بزرگ و تسخیر آب دریاها برای انسان نیز اشاره شده است. منابع و مخازن آب چون دریاها، آسمان، کوه‌ها، نهرها، چشمه‌ها و چاه، از دیگر مسائل مربوط به آب است که آیات قرآن به آن اشاره دارند. آیاتی چند نیز از وجود آب در جهان آخرت به‌صورت یکی از نعمت‌های بهشت، خبر داده است. قرآن کریم در همه‌ی این آیات، ذهن انسان را از توجه به علل و عوامل مادی تأمین آب منحرف ساخته و به عامل اصلی تأمین آن، یعنی خداوند سبحان، معطوف داشته است؛ البته در این آیات، گاه به مسائل علمی نیز اشاره‌های دقیق شده؛ اما پیش‌تر و برتر از آن بر اموری دارای اهداف تربیتی و هدایتی تأکید شده است.

آب در فرهنگ دهخدا [آب . (ا)] (اوستایی آپ **ap**، سانسکریت آپ **apa**، پارسی باستانی آپ **api**، پهلوی آپ **ap**) مایعی شفاف، بی‌مزه و بی‌بوئی است که حیوان از آن آشامد و نبات بدان تازگی و تری گیرد. و آن یکی از چهار عنصر قدماست و به عربی آن را ماء و بلال خوانند. و ابوحنیفان و ابوالحیوه و ابوالعباب و ابوالغیاث و ابومدرک از کنیت‌های آن است و در بعضی لهجه‌های فارسی آف، آو، و آو گویند.

- آب در فرهنگ عمید [اسم] [پهلوی: āp] «آو، او» ۱. (شیمی) ماده‌ای مایع، بی‌طعم، بی‌بو، و مرکب از اکسیژن و هیدروژن با فرمول شیمیایی H₂O که در طبیعت به مقدار زیاد موجود است و سه ربع روی زمین را فراگرفته. در صد درجه‌ی سانتی‌گراد جوش می‌آید و در صفر درجه‌ی سانتی‌گراد منجمد می‌شود.
- آب در فرهنگ معین [په . (ا)] مایعی است شفاف، بی‌طعم و بی‌بو، مرکب از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن H₂O، در باور قدما یکی از چهار عنصر «آب، آتش، باد، خاک» محسوب می‌شده. معانی کنایی آب: ۱- آبرو. ۲- جلا، درخشندگی. ۳- رونق. ۴- اشک. ۵- عرق. ۶- نازکی.

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در مطالعه‌ی حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است و با هدف تدوین شاخص‌ها و معیارهای آب در منظر شهر انجام گرفته است. روند انجام پژوهش به این صورت می‌باشد که ابتدا در بخش چهارچوب نظری پژوهش با استفاده از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و مرور نوشتارهای تخصصی مرتبط با آب و منظر شهر، اطلاعاتی جامع در خصوص این موضوعات ارائه گردیده است. در ادامه با بررسی، تحلیل و طبقه‌بندی داده‌های موجود، ابعاد مختلف آب و منظر شهر به تفکیک استخراج گردید. و سرانجام در مرحله‌ی نهایی، معیارها و شاخص‌های آب در منظر شهر به کمک ابعاد مستخرج از مبانی نظری، طرح و تدوین گردیدند. لازم به ذکر است که داده‌های مورد بررسی در پژوهش حاضر از نوع داده‌های کیفی می‌باشند، به این صورت که از واژگان (نه به صورت ارقام)، جهت توصیف و تحلیل اطلاعات استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات نیز شامل تهیه جداول، نمودارها، فیش‌برداری، بانک‌های اطلاعاتی و ... می‌باشند. به‌طور کلی نگارنده جهت پاسخ‌گویی صحیح و منطقی به سؤالات اصلی پژوهش، مراحل را برای انجام پژوهش مدنظر قرار داده که به شرح ذیل می‌باشند:

۱. مرحله اول: بررسی اطلاعات مرتبط با آب و منظر شهر در مبانی نظری در راستای روشن نمودن مسیر تحقیق؛
۲. مرحله دوم: استخراج ابعاد و وجوه مختلف آب و منظر شهر؛
۳. مرحله سوم: تدوین شاخص‌ها و معیارهای آب در منظر شهر.

آب در فرهنگ ایرانیان

آب اگر برای همه‌جا مایه‌ی زندگی باشد، برای سرزمین‌های خشک و رو به کویر خودِ زندگی است. یکی از آن عرصه‌های خشک و چشم به آسمان هم از گذشته‌ها و شاید هم از آغاز، همین سرزمین ایران بوده است که در آن باورها، اسطوره‌ها و سنت‌های دیرینه سالی در همین زمینه شکل گرفته و عرصه‌ی فرهنگی آب را بارآور و تابناک کرده است. از عصر آیین‌های مهر و آناهیتا گرفته تا روزگار زرتشت و مانی و بعد هم اسلام، باشندگان این دیار همگی چشم‌شان به آسمان بوده است برای آمدن باران و دستشان در زمین برای کندن قنات؛ پدیده‌ی شگفت‌انگیزی که با فرهنگ و تاریخ و زندگی پیشینیان ما الفتی خاص داشته است (پورخالقی‌چترودی، ۱۳۹۲: ۹). در حقیقت در جهان‌بینی دیرینه و فرهنگ ایرانی-اسلامی ایرانیان، رابطه‌ی مردم با طبیعت و عناصر طبیعی، رابطه‌ای بر اساس احترام به طبیعت و همزیستی با آن است (زمانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۸). در این فرهنگ، عناصر طبیعی مانند آب و گیاه به‌عنوان آیه و نشانه‌ی الهی محسوب می‌شوند و از چنان اهمیتی برخوردارند که بارها در متون اسلامی نام آن‌ها تکرار شده است (طوفان، ۱۳۹۳: ۷۳).

ابعاد مختلف عنصر آب

عنصر آب برخلاف تصور عامه، صرفاً در بعد زیبایی‌شناسانه مؤثر نمی‌باشد، بلکه در تمامی ابعاد حسی و ادراکی، دیداری (بصری)، معنایی، عملکردی، کالبدی‌زیبایی‌شناسانه، زیست‌محیطی، روان‌شناسانه، اجتماعی و زمانی به طرز شگرف تأثیرگذار است. در ادامه توضیحات مختصری در خصوص ابعاد مختلف آب و نقش مؤثر آن‌ها ارائه شده است:

بعد حسی و ادراکی

رابطه انسان و محیط: تجربیات و نمونه‌های اجرا شده نشان می‌دهد که آب ابزار مناسبی برای فعال کردن حواس پنج‌گانه انسان و ارتباط عمیق با محیط است و نباید تنها به جنبه‌های بصری و استاتیک آن که تا به امروز مورد توجه بوده، اکتفا کرد، بلکه صدا، بافت، بو، دما، رنگ و حرکت آب در این‌گونه فضاها می‌تواند در جهت کارایی عملکرد و خاطره‌انگیزی فضا نقش عمده‌ای داشته باشد (اسکاما، ۲۰۰۵). آب به سبب ارزش‌های مفهومی و ریخت‌شناسانه خود بسیار سریع در ذهن دریافت و ادراک می‌شود، لذا وجود آب به اشکال گوناگون سبب ارتقای هویت مکان شده و خاطرات و تعاملات اجتماعی را ارتقا می‌دهد (شاهین‌راد، ۱۳۹۶).

بافت: بافت آب بستگی به بافت ظرف آب و چگونگی جریان داشتن آب دارد. آشفتگی در سطح جریان آب با تنگ شدن مجرای آب و تفاوت‌هایی در مسیر آب ممکن می‌شود. ایجاد آبشارهای کوچک توسط دیوارهای پله‌ای می‌تواند نشانگر جنبش باشد (علمی، ۱۳۹۵: ۲). در معماری گذشته ایران نیز برای زیباتر جلوه دادن حرکت آب از سنگ‌های تراش سفید بهره می‌برند (پیرنیا، ۱۳۸۲: ۲۸۹).

موسیقی یا آوای آب: آوای آب همواره برای بشر مطبوع و دلپذیر بوده است. نیروی جادویی آب بیش‌تر از طریق منظر و صدای آن خود را بیان می‌کند. از روزن فواره آب واگرایانه تاب بر می‌دارد و به درون حوض ریزش می‌کند، صدای آن قطره‌ای از صدای رحمت بی‌نیاهت و بی‌منت پروردگار است، صدای آن صدای بارانی است. چنان‌که در کتاب «حس وحدت» می‌خوانیم: «فاضه فواره- زاینده دوایر آب با شعاع‌های دم افزون-

آغازگر دوباره‌ی تناوب بسط و قبضی آگاهانه است (اردلان و بختیار، ۱۳۹۴: ۶۸). آرامش‌بخشی فواره‌ها نمایش‌گر سلطه انسان بر طبیعت و در واقع موسیقی روح و روان او محسوب می‌شود. صدای آب همواره تشدیدکننده معنی آن بوده و صدای امواج آب، سرچشمه‌ها، آبشار، حیوانات کنار و درون آب، شکستن امواج، تصویر ذهن را پررنگ‌تر ساخته و حس مکان را غنی‌تر می‌کند (ماتلاک، ۱۳۸۹: ۱۶۲).

سکون یا ایستایی: ظروف مشخص‌کننده‌ی رفتار آب خواهند بود؛ آنگاه که ظرف اجازه‌ی حرکت به آب می‌دهد، رودها به وجود می‌آیند؛ زمانی نیز تالاب‌ها حاصل شکل ظرف‌اند، راکد و بی‌حرکت. این سکون و یا روانی آب القاگر احساسات متفاوت و تعیین‌کننده ویژگی‌های دیگری از قبیل نوع پوشش گیاهی، جانوران و ... خواهد بود. کشف ویژگی‌های ظروف مختلف در طبیعت به طراح این امکان را می‌دهد تا برای خلق حسی از یک رودخانه ظرفی درخور آن بسازد (ماتلاک، ۱۳۸۹: ۱۶۴).

انعکاس: در حالت ساکن و ایستا سطح آب به‌صورت یک آئینه عمل کرده، تصاویر محیط اطراف را در خود می‌نمایاند. چنین ارزشی با منعکس کردن محیط و منظر پرورش‌یافته، معنی را تحکیم می‌بخشد. سطح آب ساکن، با انعکاس نور، مانند آئینه عمل می‌کند و پدیده‌های اطراف خود را با چرخش ۱۸۰ درجه نمایش می‌دهد، هم‌چنین انعکاس پوشش گیاهی در آب و تابش نور خورشید روی گیاهان آبی موجود روی آب، تصویر زیبایی برای بیننده به وجود می‌آورد. آب در حال حرکت نیز منعکس‌کننده امواج نور در فضاست؛ مانند نوری که از یک جویبار روان روی برگ درختان منعکس می‌شود (سلطان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱). چنین ارزشی با منعکس کردن محیط و منظر پرورش‌یافته معنی را تحکیم می‌بخشد. تصویر بناها، آسمان، گیاهان، جمعیت انسانی و غیره در آب، همچون دو برابر شدن روی زیبا است. انعکاس در آب نمادی از اتصال زمین و آسمان، و عالم ماورای به جهان دنیوی است که به فلسفه وجودی باغ‌ها و تمثیل فردوس بودن آن‌ها معنا و عمق بیش‌تری می‌بخشد (فون مایس، ۱۳۹۴: ۲۶).

زم نه، ه گوی نقشی زم نه نقشی د گر است

بعد دیداری (بصری)

حضور متمرکز: جلوه‌هایی از آب که بیانگر نقطه‌ای شاخص در منظر است و دارای ویژگی‌های ایجاد حس مکان و هویت‌بخشی به فضا است که شامل برکه‌ها، حوض‌ها و استخرهای آب است. برکه‌ها و چشمه‌ها نمادی از طبیعت بکر هستند که با خطوط طبیعی مشخص شده‌اند و همراهی طبیعی گیاهان بر آن‌ها تأکید می‌ورزد (ماتلاک، ۱۳۷۹: ۱۶۴). فرم بسته استخرها و حوض‌ها ایجاد تمرکز کرده و باعث آرامش و راحتی روح انسان می‌شود.

حضور خطی: حرکت خطی شامل دو دسته حرکت عمودی و افقی است و نشانگر ویژگی‌های حرکتی و جریان آب است و منظری پویا که تداعی‌گر کشش و حرکت حسی و فیزیکی است را خلق می‌کند. خطی عمودی: آب‌های فورانی در این دسته جای می‌گیرند و مصداق بارز آن‌ها فواره‌ها هستند. خطی افقی: رودها به‌عنوان مظهر خطی هستند و تأیید یک فرم خطی، به حجم و شدت جریان آب و نیز به اندازه، شکل و شیب آبرو بستگی دارد (ماتلاک، ۱۳۸۹: ۱۵۹).

حضور صفحه‌ای: صفحات آب بر جهتی معین تأکید نمی‌کنند و آنچه در آن‌ها مشهود است وسعت است. چنین جلوه‌ای از آب مانند دریای بیکران انسان را به تعمق وادامی دارد. آب‌های صفحه‌ای می‌توانند به دو صورت افقی و عمودی ظاهر شوند که هرکدام نیز می‌توانند ممتد یا منقطع (پله‌ای یا شکسته) باشند (بمانیان و ناظمی، ۱۳۹۴:۳۱). صفحات عمودی: صفحات عمودی در منظر بیش‌تر تندیس‌وارند. این جلوه از آب، آبشارهای طبیعی و مصنوعی و نیز صفحات عمودی تندیس‌وار ساخت انسان را در بر می‌گیرد. صفحات افقی: عوارض طبیعی چون دریا، دریاچه و اقیانوس و عوارض مصنوعی مانند پله‌ها و صفحات افقی که آب بر روی آن‌ها در سطح وسیعی جاری است، در این دسته می‌گنجند. در این صفحات آنچه عمیقاً مطرح است بیکرانگی است (بمانیان و ناظمی، ۱۳۹۴:۳۲).

بعد معنایی

رمزپردازی آب: آب رمز کل چیزهایی است که بالقوه وجود دارند، سرچشمه (Fons)، منشأ (Origo) و زُهدان همه‌ی امکانات هستی است. آب که مبدأ هر چیز نامتمایز و بالقوه و مبنای تجلی کائنات و مخزن تمام جرثومه‌هاست، رمز جوهر آغازین اولی است که همه‌ی صور آن زاده می‌شوند و با سیر قهقراپی یا بر اثر وقوع ملمحه‌ای، بدان باز می‌گردند. در آغاز بوده است و در پایان هر دوره تاریخی یا کیهانی نیز باز می‌آید، همواره هست گرچه هرگز تنها نیست، زیرا آب همیشه نامیه است و دربرگیرنده‌ی همه صور بالقوه، در وحدت غیرمتکثرشان.

آب در آفرینش کیهان، و اساطیر و آیین‌ها و شمایل‌نگاری‌ها، جدا از ساختار کلیت‌های فرهنگی مربوط به آن‌ها، همواره یک نقش دارد: مقدم بر هر شکل و صورتی است و محمل و تکیه‌گاه هر آفرینشی (الیاده، ۱۳۹۲:۱۸۹). غوطه زدن در آب، رمز رجعت به حالت پیش از شکل‌پذیری و تجدید حیات کامل و زایشی نو است، زیرا هر غوطه‌وری، برابر با انحلال و اضمحلال صورت و استقرار مجدد حالت نامتعیین مقدم بر وجود است، و خروج از آب، تکرار عمل تجلی صورت در آفرینش کیهان. پیوند با آب، همواره متضمن تجدید حیات است؛ زیرا از سویی، پی در هر انحلالی، «ولادتی نو» است، و به مدد آیین جادویی، درمان‌بخش، و به برکت آیین‌های مربوط به مردگان، موجب رستاخیز پس از مرگ (الیاده، ۱۳۹۲). آب با در بر گرفتن همه‌ی امکانات بالقوه، رمز زندگی شده است (آب حیات).

رابطه آب و عالم وجود: رابطه آب و عالم وجود را از دو منظر می‌توان معرفی کرد: یکی منظر کمیت‌گرا و تجربی و دیگری مباحث معنوی حیات شکل (۱).



شکل (۱). رابطه آب و عالم وجود (شاهچراغی، ۱۳۹۳: ۸۷)

یکی از وجوه بارز منظر معنوی که از متون مذهبی برمی‌آید، جنبه سمبلیک و معانی معنوی طبیعت و عناصر طبیعی و از جمله آب است. در اغلب مجموعه مذهبی و فرهنگ دینی و معتقد به ماوراءالطبیعه، آب نقش اساسی ایفا می‌نماید. اعمالی چون وضو، غسل، غسل تعمید، تطهیر، شستشوی اموات، آب پاشیدن به دنبال مسافر، آب پاشیدن بر گور که در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف رایج هستند. به‌علاوه مثل‌ها و جملاتی که در مورد ارزش آب ذکر می‌شود، جملگی گویای اهمیت نمادین آب در زندگی انسان هستند. در اساطیر ایرانی آمده است که زرتشت در مسیر هم‌پرسی با امشاسپند از آب عبور می‌کند. گذشتن از آب در اساطیر ایرانی اهمیت خاصی دارد و اغلب قهرمانان بیش از دست یافتن به موفقیتی بزرگ از آب می‌گذرند و به‌این ترتیب با هر بار گذشتن از آب تولدی تازه وقوع می‌یابد (کامیار، ۱۳۹۲: ۲۵۳). در اشارات داستانی ادبیات جهان، اندیشه نوشیدن از آب حیات که به آب زندگی، آب جاودانگی، آب جوانی، آب حیوان، آب بقاء، عین‌الحیوه، نهر الحیوه، چشمه‌ای در مغرب زمین که به چشمه جوانی^۳ شهرت دارد و یا فرو رفتن در آن، اندیشه‌ای است بسیار پر قدمت. قهرمانان داستانی بسیاری از ملل که یا در پی زندگی جاوید بوده‌اند و یا به آن دست‌یافته‌اند از جمله گیل‌گمش، اسفندیار، آشیل و حتی در متون مسلمین حضرت خضر و یاس و ذوالقرنین به آن دست‌یافته‌اند (موسوی‌بجنوردی، ۱۳۸۴).

بعد عملکردی

وحدت فضایی: حیاط مکان مناسبی برای ارتباط انسان با عناصر طبیعی از جمله آب است. وجود آب در حیاط منازل مسکونی با فرم‌های هندسی خاص خود نمادی از بهشت مطلوب ایرانیان است. قرآن بهشت را به باغی تشبیه کرده که در زیر آن جوی‌هایی در جریان است و بر مرکزیت آب در حیات موجودات تأکید کرده است. وجود حوض در مرکز حیاط نیز اشاره بر مرکزیت آب و اهمیت آب در هستی دارد و به‌خصوص با انعکاس آبی آسمان در دل خود، آینه‌ی تمام‌نمای هستی را به نمایش می‌گذارد و گذشته از جنبه‌ی تزئینی آن، خود مرکزی است که تناسب و تقارن جوی‌های کناری و هم‌چنین باغ‌های مشرف به آن و حتی فضاهای اطراف باغچه‌ها را دامن می‌زند (نایی، ۱۳۹۱: ۵۰).

تأمین آسایش حرارتی: آب نقش مهمی در تعدیل درجه حرارت محیط‌زیست به عهده دارد. هنگامی که دمای کوهی زمین بالا می‌رود، آب مقدار انرژی زیادی را به خود جذب می‌کند تا دمای آن یک درجه افزایش یابد و هنگامی که سرد می‌شود میزان انرژی زیادی را به محیط پس‌می‌دهد تا دمای آن یک درجه کاهش یابد. بدین ترتیب می‌توان آسایش حرارتی فضای شهری را با بهره‌گیری از عنصر آب فراهم نمود. وجود آب در فضاهای شهری علاوه بر ایجاد آسایش حرارتی، می‌تواند آسایش روانی و اجتماعی را نیز شامل شود. با طراحی مناسب فضا به‌وسیله‌ی آب می‌توان سطح آسایش را ارتقا داده و حضور مردم در فضا را ایجاد نمود.

نقش ساختاری آب: فضای کلی درون باغ ایرانی به‌تبعیت از ساختار هندسی خود، توسط خطوط عمود بر هم، به فضاهای جزئی‌تری تقسیم می‌شود. عمدتاً دو محور عمود بر هم کل فضای باغ را به چهار قسمت تقسیم می‌کنند (پیرنیا، ۱۳۵۸: ۵). این تقسیم‌بندی مربع‌شکل داخلی در باغ ایرانی عمدتاً توسط جوی‌های آب موجود

³ Fountain of Youth

در باغ انجام می‌شده تا هندسه‌ای منظم به دست آید. لذا می‌توان گفت که عنصر آب در باغ ایرانی علاوه بر دارا بودن جنبه‌ی زیباشناختی و زیست‌محیطی، نقش ساختاری نیز ایفا می‌کند.

بعد کالبدی زیبایی‌شناسانه

نقطه (چشمه، فواره): منظور از تجلی آب به‌صورت یک نقطه قبل از هر چیز چشمه است. چشمه‌ها پیوسته منشأ زندگی و نقطه آغاز چرخه‌ی آب بوده‌اند. در جوشش چشمه‌ها اسطوره زندگی احساس می‌شود. چشمه مرکز تحرک و فعالیت اجتماعات محسوب می‌شود و تشکل‌های گروهی می‌توانند در اطراف آن شکل بگیرند. چنین مکان‌هایی فرم‌های شعاعی مرکزگرا پیدا می‌کنند. روستاها و سپس شهرها به دور چشمه‌ها شکل می‌گرفتند. فواره‌ها، استعاره چشمه حیات و یا قلب تپنده محسوب می‌شوند. فواره تمثیلی از فراز و فرود زندگی است. هنگامی که آب با زمزمه دلنشینی از چشمه می‌جوشد، گویی کسی از تولد سخن می‌گوید و آنگاه که باران در انتهای این چرخه به بستر زمین می‌خزد چنان است که سفر کرده‌ای به مبدأ خویش باز می‌گردد و مجموعاً حسی از هستی و نیستی و امید بازگشت دوباره به هستی را در ذهن زنده می‌کند. فواره‌ها نمایانگر تسلط انسان بر طبیعت هستند. آب برخلاف قوه جاذبه و میل باطنی خود به شکل مکانیکی در هوا به سمت بالا می‌باشد و نمایش‌های زیبای آبی اجرا می‌کند. فواره‌ها به‌صورت خطی بر روی محورهای اصلی باعث تشخیص مکان می‌شوند و مسیرهایی را به وجود می‌آورند که راهنمای انسان در فضا می‌شود. در باغ فین کاشان و باغ شازده ماهان، فواره تمثیلی از آغاز و تداوم مسیر است (ضیالحق و مختاری‌طالقانی، ۱۳۹۴: ۴).

خط (رودخانه، نهر، آبشار، جویبار): تجلی آب به‌صورت خط، یک نهر یا یک رودخانه است. اگر فواره را قلب تپنده محسوب کنیم، انگار نهرها و رودخانه‌ها یادآور شریان‌ها و رگ‌ها خواهد بود. آن‌ها در زبان نمادین خود، هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ روحی و معنوی، ارتباط‌دهنده هستند. نهرها در باغ‌ها نه تنها طبیعت را با معمار پیوند می‌دهند بلکه عناصر مختلف باغ را نیز به هم گره زده و نوعی وحدت به وجود می‌آورند. رودخانه‌های طبیعی و مصنوعی عامل مهمی در به وجود آوردن ارتباط هستند و می‌توانند محله‌ها و نواحی مختلف شهر را به یکدیگر پیوند زده و یا چند شهر را از طریق محور خود به هم متصل کنند. به‌عنوان مثال شریان‌های منشعب از زاینده‌رود در اصفهان در شهر نفوذ کرده و محله‌های مختلف شهر را به هم متصل می‌کنند. در اصفهان نه تنها آب در میان شهر و محله‌ها ظاهر شده بلکه بناها هم به میان آب کشانده می‌شوند. به‌عنوان مثال پل خواجه مانند نگینی در میان زاینده‌رود خودنمایی می‌کند (ضیالحق و مختاری‌طالقانی، ۱۳۹۴: ۴).

سطح (دریاچه، آبگیر، حوض، برکه، باغچه آبی): برخلاف فواره‌ها، چشمه‌ها و رودخانه‌ها که ذاتاً عناصری جنبشی هستند، دریاچه‌ها، آبگیرها و حوض عناصری آرام هستند که آب حاصل از چرخه‌ی آب را جمع‌آوری می‌کنند. آب در حقیقت در این مخازن راکد، آرام می‌گیرد. آب‌های راکد به‌طور طبیعی انعکاس‌دهنده تصاویر هستند و به دلیل انعکاس‌پذیری خود عامل تعیین‌کننده‌ای در ترکیب هستند. سطح آینه‌ای آن‌ها محیط اطراف را می‌پذیرد و سپس منعکس می‌کند. تصاویر مناظر و بناها در آب، فضا را بسط می‌دهد. آب‌های راکد به دلیل سکوت متفکرانه و جمع شدن آرام آب در آن‌ها دارای رمز و رازی مبهم هستند. انگار روح متفکر و جاری طبیعت، در آن‌ها رسوخ کرده است. آب‌های راکد و منعکس‌کننده آسمان هستند و عمق آسمان بیکران را در

روی زمین تکرار می‌کنند. در معماری، حوض‌ها به‌عنوان سمبل آب را کد استفاده می‌شوند و با اشکال هندسی منظم خود عامل تعیین‌کننده بنا هستند. حوض‌های جلوی بناها مکمل معماری هستند و مانند آینه، آن‌ها را در خود منعکس می‌کنند. نمونه بارز این انعکاس، چهل ستون اصفهان است (ضیالحق و مختاری‌طالقانی، ۱۳۹۴: ۴).

رنگ: جلوه‌های متنوع آب و رنگ‌های مختلف آن که با تغییر فصل و ساعت عوض می‌شود، می‌تواند القاگر احساسات متفاوتی در بیننده شود. آب آبی زلال صبح‌دم، آرام و خنک است و به ما آرامش می‌دهد و فضای سرخ و بنفش هنگام غروب، کمیاب و قدرتمند جلوه می‌کند (ماتلاک، ۱۳۸۹: ۱۶۱). آب با کیفیت بالا، رنگ کمی دارد و کم‌عمق به نظر می‌آید ولی ظروفی که آب را تیره و سیاه رنگ نشان می‌دهند باعث عمیق دیده شدن آب می‌شوند.

بعد زیست‌محیطی

هوا و گیاه: آب در پارک‌ها و باغ‌ها به هر یک از صور مختلف، خود به نحوی در متعادل کردن درجه‌ی حرارت هوا، تأمین رطوبت نسبی برای گیاهان و ایجاد طراوت، مؤثر است. مجموعه این عوامل از یکنواختی و خشکی محیط می‌کاهد (طهماسبی، ۱۳۹۵).

بعد روان‌شناسانه

تأمین آرامش: امروزه در شهرها شاهد عناصری با بافت سخت مثل بتن و ... به‌جای عناصر طبیعی هستیم. لذا باید با به‌کارگیری عناصری که بافت نرم دارند، می‌توان گوشه‌ی عزلت و زیبایی فراهم کرد تا به روان انسان آرامش بخشید. آب یکی از این عناصر طبیعی به شمار می‌رود و چه در حالت سکون و چه در حرکت، نوازش‌دهنده‌ی روح انسان است. می‌توان آب را به‌صورت جویبار و چشمه برای نقاط آرام و بی‌سر و صدا و به‌صورت آبشار و فواره‌های بزرگ برای نقاط پرازدحام و شلوغ طراحی کرد (طهماسبی، ۱۳۹۵).

بعد اجتماعی

ایجاد حس تعلق: عنصر آب به‌عنوان مکانی در فضاهای سبز شهری و بالاحص پارک‌های شهری، سبب تمرکز جمعیت در نزدیکی خود می‌شود، لذا با گرد آمدن افراد کنار هم، حضور آب موجبات تعلق خاطر را فراهم می‌آورد.

بعد زمانی

حرکت آب: تغییرات زمانی در فضا سبب ایجاد شرایطی جهت درک درست تغییرات و پتانسیل‌ها و محدودیت‌ها می‌شود. آب از جمله عناصری است که می‌توان به‌خوبی در پاسخ به تغییرات از آن بهره برد. وجود امکاناتی چون فواره‌هایی که در زمستان به‌صورت مجسمه‌های یخی فضا را زیبا کرده و آن را بیش‌ازپیش دیدنی می‌نماید. وجود عناصر نمایشی به همراه آب نیز می‌تواند پاسخی به حضور کم افراد در فضای سبز شهری در ساعات شب بوده که خود می‌تواند به جمع‌پذیری فضا اضافه نماید (شاهین‌راد، ۱۳۹۶).

مفهوم منظر شهر

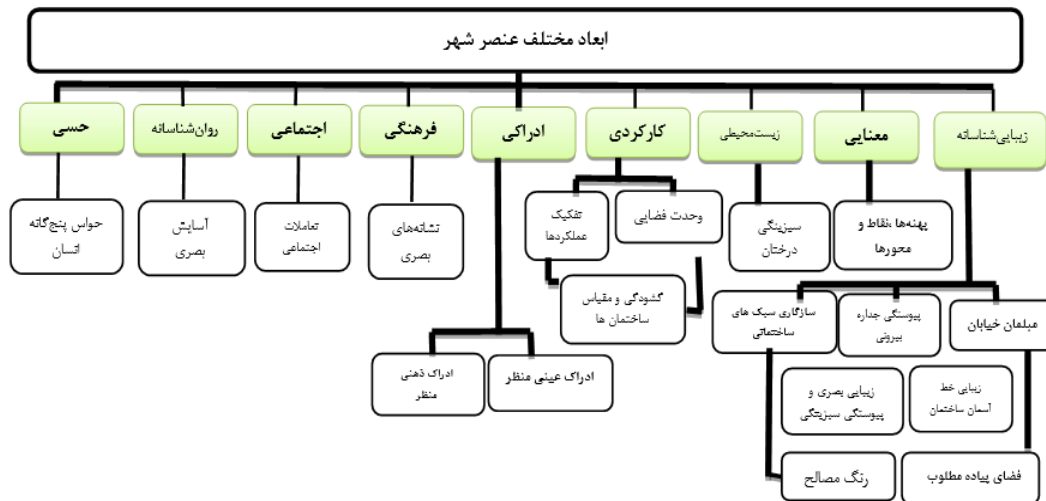
مقوله‌ی منظر شهری^۴ از مهم‌ترین مباحث و مسائل شهری است که همواره مورد توجه معماران، طراحان و برنامه‌ریزان شهری، معماران منظر، طراحان و روانشناسان محیط و جامعه‌شناسان می‌باشد (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱). منظر شهری چیزی فراتر از یک مسئله برنامه‌ریزی و طراحی شهری است. در حقیقت منظر شهری در درجه‌ی نخست؛ مسئله ارزش‌ها، هدف‌های انسانی و به رسمیت شناخته شدن مسئولیت‌های اجتماعی توسط فرد جامعه است (گلکار، ۱۳۸۲). ولی متأسفانه شناخت ماهیت منظر شهری، با نوعی سطحی‌نگری در تعاریف علمی مواجه شده است. اغلب پروژه‌های اجرایی در حوزه‌ی شهر، واژه‌ی منظر شهری را به دلیل نو بودن و نگاه جدید آن بر می‌گزینند، اما رسماً تنها نیم‌نگاهی به آن انداخته می‌شود. خطر جدی این است که در مدت کوتاه شناخت آن در ایران، به دلیل تعاریف شخصی و سلیقه‌ای، تا حد یک مفهوم خرد و کوچک تقلیل یابد (آتشین‌بار، ۱۳۹۳).

منظر شهری، از نظر تعریف، دارای حد و مرز مشخص و معینی نمی‌باشد. با توجه به آرای صاحب‌نظران مطرح دنیا در این حوزه، همواره دو جنبه‌ی متفاوت از این واژه مورد نظر بوده است. برخی از متخصصان، منظر شهری را واقعیتی عینی می‌دانند، در حالی که عده‌ای دیگر معتقدند، منظر شهری در ذهن شهروندان و از نگاه آنان قابل تعریف است، گروه کثیری نیز هر دو جنبه‌ی عینی و ذهنی را از خصوصیات بارز منظر شهر می‌دانند و در تعریف این واژه معتقدند، عین و ذهن لازم و ملزوم یکدیگر هستند (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶). منظر یک فضای شهری، کلیه‌ی اطلاعات موجود از فضا است که توسط حواس، قابل دریافت بوده و در فرآیند ادراک پردازش می‌گردد؛ اطلاعاتی از قبیل فرم، عملکرد و معنای فضا (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۳۷).

ابعاد منظر شهر

منظر شهر تنها در لایه‌ی حسی و ملموس شهر تعریف نمی‌شود، بلکه تمامی ابعاد ناملموس خود را نظیر بعد زیبایی‌شناسانه، معنایی، زیست‌محیطی، کارکردی، ادراکی، فرهنگی، اجتماعی، روان‌شناسانه نیز آشکار می‌سازد. هر یک از ابعاد نام‌برده خود دارای تقسیمات و زیرمجموعه‌هایی مختص به خود می‌باشند که در شکل (۲) نشان داده شده است.

^۴ واژه‌ی «منظر شهری» در علم شهرسازی مانند واژه‌ی شهرسازی علی‌رغم آن که مفهومی قدیمی است که از دیرباز با پیدایش و تکوین شهرها همواره ماهیتاً وجود داشته است، اما به‌عنوان واژه‌ای تخصصی در اواخر قرن نوزدهم با طراحی و اقدامات فردریک لالمستد (Frederick Law Olmsted) - پدر معماری منظر- در رابطه با شهرهای آمریکایی مطرح شد (حسینی، ۱۳۸۷: ۸۳). بعدها این واژه را گوردن کالن (Gordon Cullen) عنوان کرد و سپس به‌صورت مجموعه در کتاب منظر شهری در سال ۱۹۶۱ منتشر شد. در اواخر قرن بیستم چارلز والدheim (Charles Waldheim) آن را برای توصیف دستاوردهای در حال وقوع در زمینه‌ی شهرسازی عنوان کرد و امروز به‌طور مشخص رشته‌ای تخصصی و تعریف‌شده منشعب از شهرسازی و معماری است (حبیب، ۱۳۸۵: ۴۸).



شکل (۲). ابعاد مختلف منظر شهر؛ منبع: نگارندگان

در ادامه در خصوص هر یک از ابعاد منظر شهر توضیحاتی اجمالی ارائه شده است:
بعد زیبایی‌شناسانه

زیبایی بصری و پیوستگی سبزی‌دگی: بر استقرار درختان، انتظام هندسی (ریتم) حکم‌فرما باشد و مطلوبیت بصری (پیوستگی بصری) آن‌ها مدنظر قرار گیرد. هم‌چنین پوشش گیاهی می‌تواند موجب تنوع رنگی در فضا باشد. به‌عنوان نمونه، انواع گل‌ها و سایر پوشش گیاهی در تقابل با کف جداره‌ها، تولید غنای بصری می‌نمایند (گئو و آسمی^۵، ۲۰۰۷).

پیوستگی جداره بیرونی: اتصال و یکپارچگی بدنه‌ها یکی از متداول‌ترین و قابل درک‌ترین شیوه‌ها در تعریف حدود فضا است که به تحقق اصل محصوریت و ایجاد وحدت فضایی کمک می‌نماید. اتصال بدنه‌ها در قالب ضوابط شناخته‌شده‌ی شهری نقش مهمی در بهبود منظر محیط و مطلوبیت‌های بصری آن دارد و می‌تواند به غنای فضایی منجر شود. بدین منظور باید سکانس‌های حرکتی از پیوستگی برخوردار باشند.

سازگاری سبک‌های ساختمانی: در ساختمان‌های متفاوت می‌توان با ایجاد روابطی معنادار و مشخصه‌های مشترک در آن‌ها محله را به سمت ارزش‌های پایدار بصری و کارکردی سوق داد تا بتوان به سیمای یک محله تشخص خاص بخشید.

زیبایی خط آسمان ساختمان‌ها: بی‌نظمی خط آسمان در لبه‌ها مگر در صورتی که آگاهانه و در جهت نیل به اهدافی مهم‌تر (نظیر انواع ریتم‌ها و وجود نقاط عطف و ...) باشد، به اغتشاش فضایی و حس‌های ادراکی ملهم از آن دامن می‌زند. بدنه‌ها و عمق صفحه‌ی آن‌ها نیز در صورتی که از انتظام اندیشیده شده‌ی خاصی پیروی نکند و دامنه‌ی نوسان و بی‌نظمی پراکنش آن‌ها هر چه بیش‌تر باشد به همان نسبت به وحدت فضایی لطمه می‌زند و

⁵ Gao & Asami

درک کلیت و ارتباط کارکردی - معنایی عناصر مختلف آن را بیش از پیش مخدوش می‌نماید (گئو و آسمی، ۲۰۰۷).

رنگ و مصالح: خواص رنگ‌ها و تأثیرات روانی آن‌ها و نقش‌شان در ادراک و دستیابی به مراتبی از مطلوبیت‌های فضایی بسیار قابل‌تأمل است. اغتشاش بصری ناشی از بهم‌ریختگی انتظام رنگ‌ها و تأثیر منفی‌شان بر وحدت فضایی محیط، در مواردی کم‌تر از تأثیر مشابه عناصر کالبدی نیست. از این‌رو کنترل دامنه‌ی کاربرد آن و نحوه‌ی به‌کارگیری‌شان در فضاهای شهری می‌تواند در کنار سایر موارد مطرح‌شده در ارتقای کیفیت محیط و مطلوبیت‌های فضایی تأثیر بسزایی داشته باشد (گئو و آسمی، ۲۰۰۷).

فضای پیاده مطلوب و فضای بیرونی دوستانه: منظر خیابان باید دل‌پذیر باشد، در این حالت باید تبلیغات از نظم خاصی پیروی کنند، پارک ماشین‌ها مانع حرکت افراد پیاده نشود، از وجود فعالیت‌های غیر عبوری در فضا جلوگیری شود و اولویت پیاده نسبت به سواره وجود داشته باشد. به‌طور کلی فضا به‌گونه‌ای باشد که افراد تشویق به حضور در فضا شوند و زمینه‌ی تعاملات اجتماعی را فراهم کند (گئو و آسمی، ۲۰۰۷).

دکوراسیون و مبلمان خیابان: مبلمان‌های مختلف شهری ضمن هماهنگی با فضایی که در آن واقع شده‌اند، بایستی از هماهنگی لازم با دستورالعمل دیگر نیز برخوردار باشند تا وجودشان منجر به اغتشاش فضایی یا احتمالاً تشدید آن نشود (گئو و آسمی، ۲۰۰۷).

بعد کارکردی

وحدت فضایی: منظور ادراک و تجربه مجموعه‌ای از عناصر متعدد و متنوع فضا به‌صورت کل واحد است، به‌صورتی که عناصر تشکیل‌دهنده‌ی فضا باید به کلیت یگانه‌ای منتهی شوند (گئو و آسمی، ۲۰۰۷).

تفکیک عملکردها و عرصه‌ها: تفکیک عملکردهای مختلف و عرصه‌های متعلق به آن‌ها در مقیاس متفاوت مواجه با فضا، به خوانایی هر چه بیش‌تر آن کمک می‌کند و در تسهیل مراتب ادراک از فضا مؤثر واقع می‌شود.

گشودگی و مقیاس ساختمان‌ها: فضای بازی که به‌وسیله‌ی ساختمان‌های فضای شهری (به‌عنوان مثال در یک محله) شکل داده شده است، فضای دنجی را به وجود آورده، در این حالت باید تغییر مقیاس‌ها با فعالیت‌هایی که در آن اتفاق می‌افتد سازگاری داشته تا کالبد و فضا توأمان قابل‌پیش‌بینی گردد تا حس آشنایی و خودمانی را برای ساکنین فراهم کند (گئو و آسمی، ۲۰۰۷).

بعد معنایی

پهنه‌ها، نقاط و محورها: رویکرد مکانیکی به منظر شهر، با آثار حیات تاریخی همچون کالبد آن رفتار می‌کند و آن‌ها را فقط به عناصر کالبدی منحصر می‌کند. در نتیجه ممکن است هر مفهوم از شهر که فیزیک قابل‌توجهی نداشته باشد، نادیده انگاشته شود. پهنه‌ها، نقاط و محورها که نام خاصی در کالبد شهر ندارد، از جمله مهم‌ترین منابع شناخت منظر شهری است که در این رویکرد قابل‌تشخیص نخواهد بود. بررسی جداگانه سه بعد معنایی، عملکردی و کالبدی شهر نشان می‌دهد که سابقه‌ی مطالعات و برنامه‌های توسعه شهری عمدتاً معطوف به دو بعد عملکردی (برنامه‌ای) و کالبدی (طراحی) آن است. آنچه به‌عنوان بعد معنایی شهر موردتوجه بوده، بیش‌تر معطوف به حفظ نمادهای تاریخی یا وجه کالبدی غالب بوده است. از جمله در سیاست‌های حفظ

میراث فرهنگی، آنچه موضوع حفاظت است، کالدهای حاوی ویژگی‌های خاص معماری و ندرتاً در ارتباط تاریخی با حادثه یا شخصیت اجتماعی است. در نتیجه در میان هزاران اثر تاریخی ثبت شده در شهرها هیچ گذر، کوچه، محله و فضایی یافت نمی‌شود؛ زیرا فاقد کالبد (توده ساختمانی) بوده است. اگرچه در ادبیات میراث فرهنگی، به آیین‌ها، اسامی و بافت‌های شهری اشاره می‌شود؛ اما به دلیل کمی نشدن اهداف مذکور، عملاً اقدام حفاظتی خاصی برای آن‌ها تعریف نشده است. در نتیجه علی‌رغم آن‌که وجدان عمومی انسان‌ها به وجود پدیده‌ای مستقل از کالبد یا عملکرد شهر گواهی می‌دهد؛ اما اقدامات انجام شده برای مدیریت آن‌ها کافی نبوده و نتوانسته مؤلفه‌های به وجود آورنده‌ی معنای شهر را به‌دقت تشخیص دهد. اگرچه منظر شهر بر اساس اصالت بعد معنایی شهر پدید آمده؛ اما در نگاهی واقع‌گرا، کارکردها و کالبد شهر را ابزار کنترل و هدایت منظر شهر می‌شناسند (منصوری، ۱۳۸۹: ۳۰).

بعد زیست‌محیطی

سبزی‌نگی درختان و فضای باز و پیاده‌روها: استفاده از پوشش گیاهی و آب در طراحی و سامان‌دهی فضاهای شهری؛ ارزش‌های زیست‌محیطی فراوانی دارد. در این مورد نکته مهم در ارتباط با پوشش گیاهی، توجه به ویژگی‌های فضا‌سازانه آن‌هاست. گیاهان به ذات جذاب بوده و در مطلوبیت آن‌ها اتفاق نظر وجود دارد. لذا به‌کارگیری آن‌ها در فضاهای شهری اندیشیده شده، مطلوبیت چنین فضاهای را تا حدود زیادی تضمین می‌کند (گنو و آسمی، ۲۰۰۷).

بعد ادراکی

ادراکات عینی منظر: ادراک منظر شهری، ادراکی محسوس است که موجب لذت، نشاط، آزرده‌گی، ترس و سایر واکنش‌های حسی آدمی می‌شود. در حقیقت عمده‌ترین اثر کیفیت سیمای شهر در محدوده‌ی این گروه از واکنش‌های روحی به ظهور می‌رسد. ادراکات محسوس از منظر شهر، تنها در زمینه‌ی عناصر بصری نبوده، بلکه سر و صدای محیط، بو و سایر عوامل تأثیرگذار بر حواس انسانی نیز در شکل‌دهی به آن ایفای نقش می‌کنند (رزاقی، ۱۳۹۲: ۹۷).

ادراکات ذهنی منظر: منظر صرفاً به داده‌های محسوس جهان اطراف ما خلاصه نمی‌شود. بلکه پیوسته در ارتباط با ذهنیت ناظر، تشخیص می‌یابد: ذهنیتی که بیش از یک نگاه بصری معمولی است. یعنی در منظر شهری نگاه به شهر و محیط شهری، نه فقط به‌وسیله‌ی چشم سر، بلکه به همراه «چشم دل» یا «چشم ذهن» صورت می‌گیرد و ترکیبی از این دو نگاه است. از این‌رو بررسی منظرین غیر از ریخت‌شناسی محیط به شمار می‌آید (رزاقی، ۱۳۹۲: ۹۷).

بعد فرهنگی

نشانه‌های بصری: نشانه بصری برای ساکنین و مهمانان برای تشخیص مناظر شهری بسیار مهم هستند و می‌توانند هویت و یک چهره‌ی خاص تعریف کنند و این ویژگی به احساس تعلق نسبت به منظر منجر شود (گنو و آسمی، ۲۰۰۷).

بعد اجتماعی

مشارکت و تعاملات اجتماعی: روابط اجتماعی بر مبنای فرهنگ اصیل اسلامی و ملی می‌تواند در نمای بخش‌های مختلف جامعه (محیط کسب‌وکار، فضاهای عمومی، واحدهای همسایگی (شامل محله‌ها، مجموعه‌های آپارتمانی)، مراکز و پارک‌های تفریحی، و ...) جلوه‌گر باشد. تعریف صحیح از این روابط در فضاهای مختلف شهری و رعایت اصول مکان‌یابی مناسب و ارتباط منطقی با کاربری‌های همجوار، هدایت‌گر تعامل و همبستگی اجتماعی شهروندان خواهد شد (محللاتی، ۱۳۹۳: ۳).

بعد فرهنگی

نشانه‌های بصری: نشانه بصری برای ساکنین و مهمانان برای تشخیص مناظر شهری بسیار مهم هستند و می‌توانند هویت و یک چهره‌ی خاص تعریف کنند و این ویژگی به احساس تعلق نسبت به منظر منجر شود (گنو و آسمی، ۲۰۰۷).

بعد روان‌شناسانه

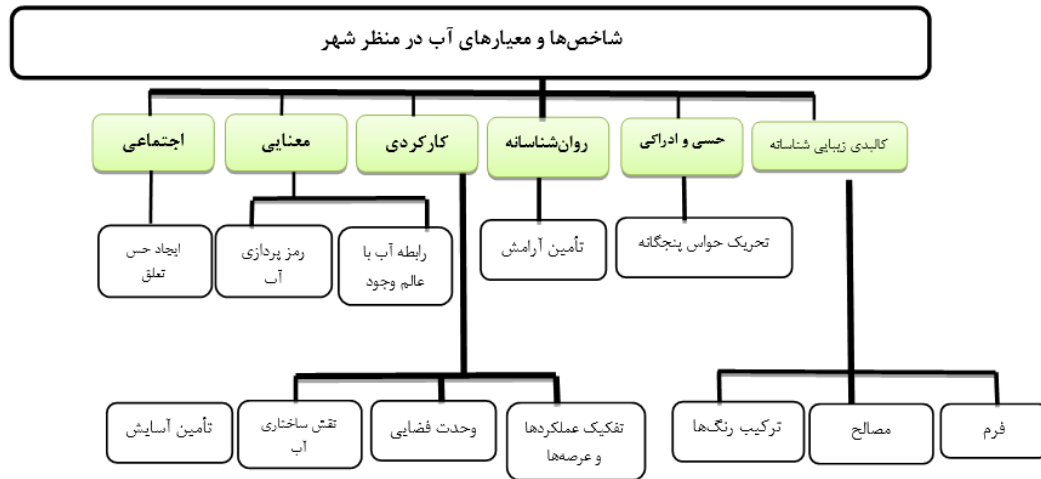
آسایش بصری: از مؤلفه‌های آسایش بصری منظر شهری می‌توان به رنگ، روشنایی، کیفیت محیطی و ... اشاره کرد که کاربرد نامطلوب رنگ‌ها و کمبود روشنایی در شهرها موجب آلودگی نمایی، رنگ، نور و ... در محیط‌های شهری شده که القاکننده‌ی بی‌نظمی، فشار روانی، بی‌تناسبی، زشتی و سیطره‌ی مادیت و کمیت بر زندگی انسان‌ها شده است (صالحی، ۱۳۹۴: ۴).

بعد حسی

حواس پنج‌گانه انسان: در درک پدیده‌ی منظر شهری تمام حواس انسان فعال هستند. منظر شهری صرفاً دربردارنده‌ی نمای ساختمان‌ها و عناصر قابل‌رویت نیست، بلکه صداها، بوها، انواع عناصر طبیعی و مصنوعی، خواه ثابت و خواه متحرک را در بر گرفته و در کل شامل تمام چیزهایی است که توسط حواس انسان، هنگام حضور در شهر قابل‌درک است و تمام این عوامل با هم در کیفیت منظر شهری مؤثر هستند (مهتدی و شهبازی، ۱۳۹۶).

شاخص‌ها و معیارهای آب در منظر شهر

پس از شناخت وجوه و ابعاد مختلف آب در بخش‌های پیشین، و خارج شدن از نگاه تک‌بعدی و صرفاً زیبایی‌شناسانه نسبت به این عنصر طبیعی، می‌توان از ابعاد متنوع آن در راستای ارتقای سطح کیفی منظر شهر بهره گرفت. برای این منظور نگارنده بر آن شد تا معیارها و شاخص‌هایی را برای استفاده از عنصر آب در منظر شهر تدوین نماید که به‌واسطه‌ی آن‌ها بتوان به‌تمامی ابعاد و ارزش‌های وجودی آب نگاهی جامع داشت. از این‌رو ابتدا مؤلفه‌های مشترکی را میان آب و منظر شهر، در قالب شش مؤلفه‌ی اصلی اعم از مؤلفه‌های (کالبدی-زیبایی‌شناسانه، عملکردی، حسی و ادراکی، معنایی، روانشناسانه، اجتماعی) تعریف نمود. سپس معیارهای آب در منظر شهر را برای هر مؤلفه به‌طور مجزا و به تفکیک ذکر نمود که در شکل (۳) ارائه گردیده است.



شکل (۳). شاخص‌ها و معیارهای آب در منظر شهر؛ منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

مقوله‌ی منظر شهر از مهم‌ترین مباحث و مسائل شهری است که همواره مورد توجه معماران، طراحان و برنامه‌ریزان شهری، معماران منظر، طراحان و روانشناسان محیط و جامعه‌شناسان می‌باشد. آن‌ها همواره به دنبال یافتن مؤلفه‌های پاسخ‌ده به انسان در طراحی منظر شهر بوده‌اند که این مهم، تا اندازه‌ی بسیار زیادی در کشورهای پیشرفته‌ی دنیا به‌درستی محقق گشته است. بالا بودن سطح کیفی منظر شهر در این کشورها نشان از رعایت صحیح تمامی مؤلفه‌ها و ابعاد تأثیرگذار بر کیفیت منظر شهر بوده است. یکی از موضوعات حائز اهمیت در طراحی منظر شهر، توجه به نحوه‌ی به‌کارگیری صحیح و منطقی از عناصر مهم طبیعی نظیر آب و گیاه بوده است که متأسفانه این مسئله در ایران معاصر با وجود پیشینه‌ی بسیار قوی در این امر، مورد غفلت واقع شده است. دغدغه‌ی اصلی پژوهش حاضر نیز چگونگی ارتقای کیفیت منظر شهر در ایران به واسطه‌ی ارزش‌های وجودی عنصر طبیعی آب بوده است. در این راستا نگارنده، در وهله‌ی نخست، با برشمردن ابعاد و جوه مختلف عنصر آب، بر جنبه‌های مختلف تأثیرگذار این عنصر طبیعی به غیر از وجه زیباشناختی و بصری آن تأکید کرد و در ادامه پس از استخراج ابعاد متنوع منظر شهر، توانست معیارها و شاخص‌های آب در منظر شهر را در قالب الگویی مدون تدوین نماید. حال با بهره‌گیری از این الگو به شکلی صحیح، می‌توان کیفیت منظر فضاهای شهری در کشور ایران را در تمامی ابعاد بصری، ادراکی، عملکردی و .. تا اندازه‌ی قابل‌توجهی ارتقا بخشید جداول (۱) و (۲) و اشکال (۱۷).

جدول (۱). تدوین شاخص‌ها و معیارهای آب در منظر شهر

مؤلفه‌ها	معیارهای آب در منظر شهر	مصادیق	عکس
مکان‌شناسی آب؛ مصارف	فرم؛	- استفاده از فرم‌های متنوع آب با الگوهای نقطه‌ای، خطی، سطحی در فضای شهری	 شکل (۴). فرم نقطه‌ای آب در فضاهای شهری
	مصالح؛	- ایجاد دیوار آب در فضای شهری	 شکل (۵). دیوار آب در فضاهای شهری
	ترکیب رنگ‌ها؛	- هم‌نشینی با کاشی‌های فیروزه‌ای در مساجد ایرانی - تعریفی از رنگ آبی به‌عنوان هویت معماری ایرانی - به‌کارگیری جلوه‌های رنگی متنوع آب در فضای شهری با تغییر فصل و ساعت (آبی زلال در صبح‌دم، سرخ و بنفش هنگام غروب)	 شکل (۶). هم‌نشینی با کاشی‌های فیروزه‌ای در مساجد ایرانی  شکل (۷). رنگ آب در مسیرهای آبی باغ‌های ایرانی
مکان‌ردی	تفکیک عملکردها و عرصه‌های مختلف؛	- تفکیک عملکردهای مختلف توسط آب در فضای شهری - تعریف حریم و عرصه‌ها توسط آب در فضای شهری	 شکل (۸). تفکیک عرصه‌های فضای شهری با مسیرهای آبی

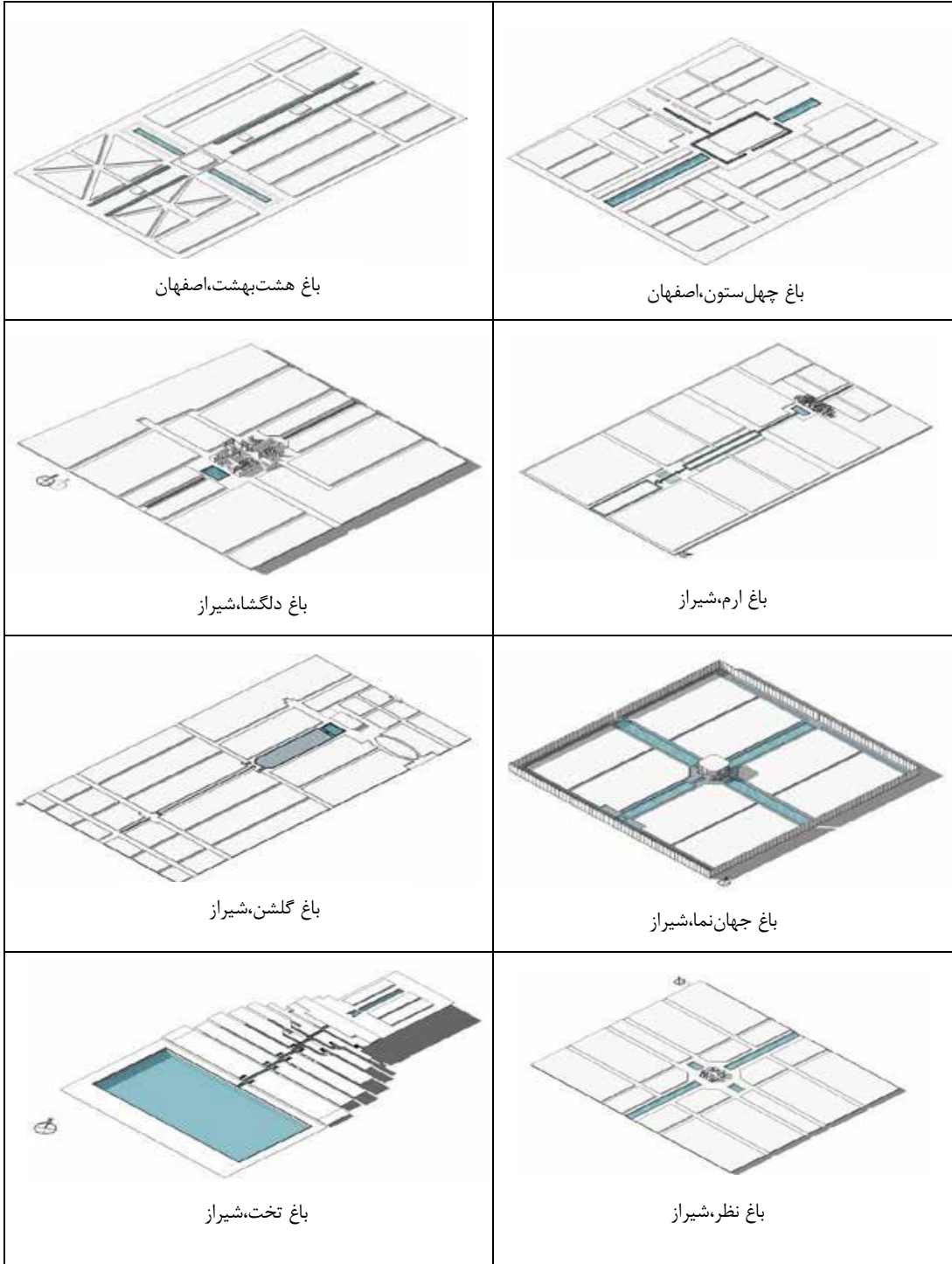
 <p>شکل (۹). آب در حیاط مرکزی خانه طباطبایی‌های کاشان</p>	<p>- تعریف مرکز ثقل تمامی حیاط‌ها و مراکز مذهبی به‌وسیله‌ی حوض آب</p>	<p>وحدت فضایی؛</p>	
 <p>شکل (۱۰). تقسیم‌بندی ساختاری باغ ایرانی با آب</p>	<p>- استفاده از مسیرهای آبی جهت تعریف حریم‌ها و عرصه‌ها در باغ‌های ایرانی</p>	<p>نقش ساختاری آب؛</p>	
 <p>شکل (۱۱). آب در فضای شهری جهت تلطیف هوا</p>	<p>- استفاده از آب در فضای شهری جهت ایجاد آسایش حرارتی و تلطیف هوا - استفاده از آب در حیاط مرکزی خانه‌های سنتی ایرانی جهت تلطیف هوا</p>	<p>تأمین آسایش؛</p>	
 <p>شکل (۱۲). انعکاس بنا در آب</p>	<p>- تحریک حواس پنجگانه انسان به کمک بافت، موسیقی، سکون، و انعکاس آب</p>	<p>تحریک حواس پنجگانه؛</p>	<p>حسی و ادراکی</p>
 <p>شکل (۱۳). موسیقی آب در باغ ایرانی</p>	<p>- استفاده از آوای آب در فضای شهری جهت ایجاد آسایش و آرامش روانی برای شهروندان</p>	<p>تأمین آرامش؛</p>	<p>روانشناسانه</p>

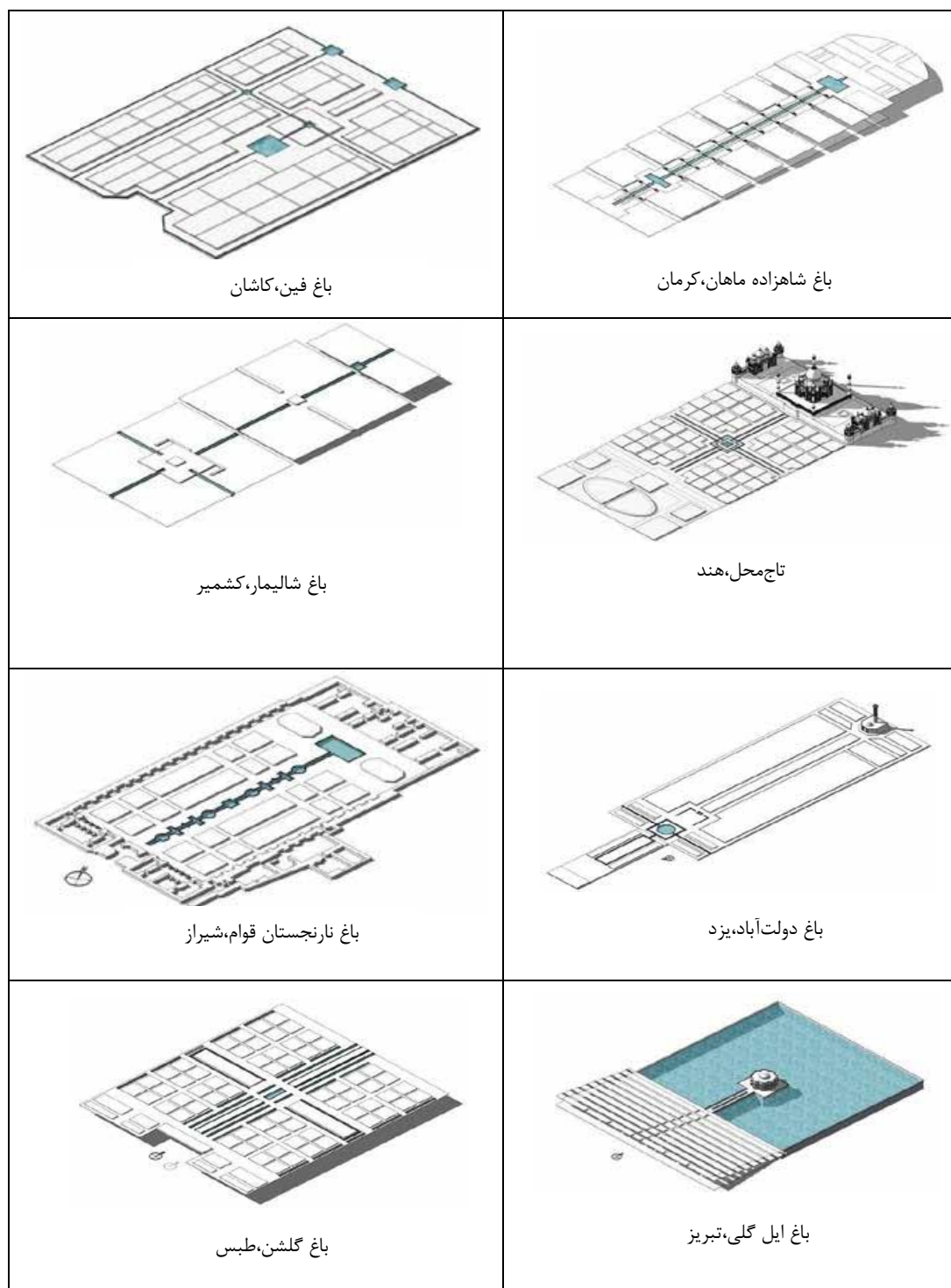
 <p>شکل (۱۴). استفاده از آب در معابد ایران باستان جهت تکریم آن</p>	<p>- تأکید بر جنبه‌ی سمبلیک و ماوراءالطبیعه آب در بناهای باستانی ایرانی با استفاده از نقوش مصور</p> <p>- استفاده از بعد معنوی آب در معابد ایران باستان</p>	<p>رابطه آب و عالم وجود؛</p>	<p>معنایی</p>
 <p>شکل (۱۵). ترسیم جداره‌های شهری با استفاده از مفاهیم رمزگونه آب</p>	<p>- نمادپردازی آب و نمایش ویژگی‌های رمزگونه آب در جداره‌های شهری</p>	<p>رمزپردازی آب؛</p>	
 <p>شکل (۱۶). رقص موزیکال آب در فضای شهری</p>	<p>- استفاده از نقش نمایشی آب در ایجاد حیات جمعی و حس تعلق به مکان در فضاهای شهری</p>	<p>ایجاد حس تعلق؛</p>	<p>اجتماعی</p>

بدین سبب درنهایت، بر اساس مطالبی که به تفصیل در طول این پژوهش بیان گردید و برای دستیابی به هدف ارتقا کیفیت و پایداری محیطی جهت ارتقای سلامت روحی و روانی و دستیابی به جامعه‌ای سالم به معماران و شهرسازان پیشنهاد می‌گردد.

جدول (۲). شاخص‌ها و معیارهای آب در کیفیت منظر شهری (نگارندگان)

تأثیر در منظر شهری	نام فضا
	آب آشتی با زمین
آشتی با آفریده‌های خدا انسان را به یاد خدا می‌اندازد و دل‌ها آرام می‌شود	آب آشتی با گیاهان و زمین
	آب آشتی با فصل‌ها
	آب آشتی با درختان
کاشت گیاهان محرک حواس ۵ گانه سبب کاهش استرس و افزایش نشاط و آرامش می‌شود	آب آشتی با گل‌ها
استفاده از عنصر آب که از حرکت آن تاب‌وتوان و از سکون آن آرامش القا می‌گردد	آب روشنایی
خلوتگاه سکوت (فکرآرامی)	آب مدیتیشن (جهت تمدد اعصاب)





اشکال (۱۷). چگونگی سازمان‌دهی حوض، آبگیر و جوی در برخی از باغ‌های ایرانی و جهان اسلام، باز ترسیم (نگارندگان)

منابع

- اردلان، نادر، بختیار، لاله (۱۳۹۴)، "حس وحدت"، ترجمه حمید شاهرخ، نشر خاک، اصفهان.
- آتشین‌بار، محمد (۱۳۹۳)، "تداوم هویت در منظر شهری"، فصلنامه باغ نظر، ۶(۱۱): ۴۵-۵۶.
- بمانیان، محمدرضا، ناظمی، آسیه (۱۳۹۴)، دوفصلنامه علمی تخصصی انجمن علمی دانشگاه تربیت مدرس، ۱(۱).
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵)، "مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری"، انتشارات شهیدی، تهران.
- پورخالقی چترودی، مه‌دخت (۱۳۹۲)، "الفبای زندگی"، مجموعه مقالات همایش ملی و میان‌رشته‌ای آب و ارزش‌های فرهنگی آن، گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۵۸)، "باغ‌های ایرانی"، تدوین فرهاد ابوضیا، مجله آبادی، ۴(۱۵): ۲-۱۲.
- حبیب، فرح (۱۳۸۵)، "طراحی منظر شهر در گذر تاریخ"، مجله آبادی، (۵۳): ۴۸-۵۳.
- حسینی، سیدباقر (۱۳۸۷)، "حرکت و زمان در منظر شهری، انگاره‌ها و مفاهیم طراحی"، نشریه بین‌المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران، ویژه‌نامه مهندسی معماری و شهرسازی، (۱۹).
- رزاقی، حبیب‌اله (۱۳۹۲)، "تحلیل کیفی فضا و منظر شهری و الگوی رفتاری استفاده‌کنندگان از فضا (مطالعه موردی: کناره‌ی رود کرچ)"، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۲۸(۴): ۹۵-۱۱۲.
- زمانی و همکاران (۱۳۹۵)، "بازشناسی و تحلیل جایگاه عناصر موجود در باغ ایرانی با تأکید بر اصول دینی - آیینی"، فصلنامه باغ نظر، ۶(۶).
- سلطانزاده، حسین، نیلی، ریحانه، نیلی، رعنا (۱۳۹۱)، "چگونگی بازتاب شاخصه‌های مناظر شفاعبخش در الگوی منظر باغ ایرانی"، (۲۳): ۶۵-۷۴.
- شاهچراغی، آزاده (۱۳۹۳)، "پارادوکس باغ ایرانی"، مجله معمار، تهران (۲۷).
- شاهین‌راد، مهنوش (۱۳۹۶)، "بررسی عنصر آب در طراحی فضاهای شهری، نمونه موردی: خیابان حرم (حداصل میدان شهر ری و حرم حضرت عبدالعظیم)"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، استاد راهنما: جهان‌شاه پاکزاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- صالحی، اسماعیل (۱۳۹۴)، "آسایش بصری"، نشر تهران.
- ضیاءالحق، شهاب‌الدین، مختاری طالقانی، اسکندر (۱۳۹۴)، "بررسی جایگاه آب در باغ ایرانی"، دومین کنفرانس معماری و منظر شهری پایدار. ۱.
- طوفان، سحر (۱۳۹۳)، "بازشناسی نقش آب در حیات خانه‌های سنتی ایران"، فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، ۳(۶).
- طهماسبی، مهرداد (۱۳۹۵)، "آب‌نما در طراحی پارک و باغ‌های ایرانی"، قابل‌دسترس در سایت <http://youbank.ir>
- علی، علی (۱۳۹۵)، "آب، نمودگار روح"، دومین کنگره بین‌المللی علوم زمین و توسعه شهری، تبریز، شرکت کیان طرح دانش، پژوهشکده جهاد دانشگاهی واحد استان آذربایجان شرقی.
- قرآن کریم، سوره انبیا، آیه ۳۰.

کامیار، مریم (۱۳۹۲)، "ابعاد تقدس در فضای معماری"، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

گلکار، کورش (۱۳۸۲)، "از تولد تا بلوغ طراحی شهری"، نشریه علمی پژوهشی صفا، (۳۶): ۲۳ - ۸.

ماتلاک، ج.ا. (۱۳۸۹)، "آشنایی با طراحی محیط و منظر"، تهران، نشر سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران.

محللاتی، فرهاد (۱۳۹۳)، "منظر شهری در یک نگاه (بررسی مفاهیم و مبانی سیما و منظر شهری)"،

قابل دسترس در سایت <https://article.tebyan.net>

منصوری، سید امیر (۱۳۸۹)، "چیستی منظر شهری، بررسی تاریخی تحولات مفهومی منظر شهری در

ایران"، ماهنامه منظر، (۹): ۳۰ - ۳۳.

موسوی‌بجنوردی، کاظم (۱۳۸۴)، "دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (جلد ۱)"، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی،

تهران.

مهتدی، علیرضا، شهبازی، مه‌تیام (۱۳۹۶)، "تأثیر مبلمان شهری بر منظر شهری"، اولین کنفرانس بین‌المللی

منظر راه‌های شهری و برون‌شهری با رویکرد بومی‌سازی، تهران، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت

ایران، موسسه مهد پژوهش ره‌پویان حقیقت، انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران

نایبی، فرشته (۱۳۹۱)، "حیات در حیاط، حیاط در خانه‌های سنتی ایران (اصفهان، کاشان، تهران)"، نشر

نزهت، تهران.

الیاده، میرچا (۱۳۸۹)، "چشم‌انداز اسطوره"، ترجمه جلال ستاری، چاپ دوم، نشر توس، تهران.

الیاده، میرچا (۱۳۹۲)، "رساله در تاریخ ادیان"، ترجمه جلال ستاری، چاپ اول، نشر صداوسیما جمهوری

اسلامی، سروش، تهران، ۱۹ - ۱۸۹.

یوسفی، علی، صادقی، عطیه، عبداللهی، ساره، چرخ‌رزین، مرتضی (۱۳۹۳)، "منظر شهری"، ششمین کنفرانس

ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی، مشهد، ایران.

Gao, Xiaolu, Asami, Yasushi (2007), "Effect of urban landscapes on land prices in two Japanese cities", 81(1), pp. 155-166.

Schama, Simon (2005), "Landscape and Memory", London: Fonta press.

<https://www.cloob.com>.